

ضرغامی در آستانه حذف از دولت؛ بازخوانی عقد اخوتی که در محافظه‌کاران پا نمی‌گیرد و تلفات می‌دهد

تیر غیب اصولگرایی

خودشان را بدون من یتیم معرفی می‌کنند و آیه «فَالْمُتِّيمُ فَلَا تَقَهَّرْ» (پس تو هم یتیم را هرگز میازار) می‌خوانند». این بخشی از خاطرات اکبر هاشمی‌رفسنجانی در روز ۱۷ مهرماه ۱۳۷۸ است؛ درست چند ماه مانده به انتخابات مجلس ششم که بزرگان جریان اصولگرایی به سراغ اکبر هاشمی‌رفسنجانی رفته بودند تا او را برای شرکت در انتخابات راضی کنند. دیداری که نشان‌دهنده نوع نگاه جریان راست به اکبر هاشمی‌رفسنجانی در آن سال‌هاست که بعدها دچار چرخش ۱۸۰ درجه‌ای شد.

با پایان جنگ و به‌قدرت‌رسیدن جریان راست در جمهوری اسلامی، جریان چپ و لیبرال‌های دهه اول انقلاب همچون نهضت آزادی، از مخالفان دولت او به شمار می‌آمدند. چپ و خط امامی‌ها از دولت هاشمی و سیاست‌های نئولیبرالیستی در اقتصاد انتقاد داشتند و نهضت آزادی و فعالان فرهنگی به بسته‌بودن فضای فرهنگی که اوج آن در فشار به کانون نویسندگان و دستگیری فعالان ملی مذهبی دیده می‌شد. آن روزها اکبر هاشمی‌رفسنجانی محبوب قلب راست‌گرایانی بود که بعدها به اصولگرایان شهرت یافتند. در آن روزها سلف تجمع‌کنندگان امروزی با حضور در پای سخنرانی‌های هاشمی‌رفسنجانی به عنوان امام جمعه تهران، شعار «مخالف هاشمی دشمن پیغمبر است» سر می‌دادند. تحت همین فشارها بود که سیدمحمد خاتمی از وزارت ارشاد استعفا داد تا هاشمی‌رفسنجانی به جای او علی لاریجانی را بر مسند فرهنگ بنشاند. این روند حتی دو سال بعد از خروج هاشمی از ساختمان ریاست‌جمهوری هم ادامه داشت. تا آنجا که اصولگرایان خود را بدون او «یتیم» می‌خواندند. اما ورق برای هاشمی از دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ برگشت. او تبدیل به «دشمن‌اکبر» شد. اصولگرایان دیگر واهمه‌ای نداشتند که علیه او مستقیم حرف بزنند و با او وارد جدال کلامی شوند. انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ نقطه عطفی بود که هاشمی برای همیشه از صدر به ذیل برای اصولگرایان سقوط کرد. از نماز جمعه کنار گذاشته شد. در سال ۸۹ از ریاست مجلس خبرگان رهبری حذف شد و در نهایت با ردصلاحیتش در سال ۹۲ به نقطه پایان رسید. سه سال بعد هنگام شنا در استخر کوشک زندگی او پایان یافت. درحالی‌که فرزندان او در مورد مرگ پدر حرف و حدیث‌هایی مطرح می‌کنند.

رؤسای سابق صداوسیما

این‌طور که پیداست صندلی ریاست سازمان صداوسیما هم صندلی خوش‌یمنی نیست. محمد سرفراز در روزهای مذاکرات هسته‌ای به ساختمان شیشه‌ای جام جم رفت. برادر دو شهید که اولی در انفجار هفتم تیر در کنار شهید بهشتی به شهادت رسید و دومی در جنگ تحمیلی. برخلاف ضرغامی او از بدنه صداوسیما به شمار می‌آمد و مدیریت شبکه‌های برون مرزی را بر عهده داشت. درست یک سال بعد حواشی به سراغ او آمد. شهزاد میرقلی‌خان بازرس ویژه او از ایران خارج شد و عمر ریاست او بسیار زودتر از آنچه فکرش را می‌کرد به طور ناگهانی در زمستان سال بعد به پایانی تلخ رسید. سرنوشت خلف او نیز چندان قرین موفقیت نبود، زیرا علی‌عسگری نتوانست مانند سایر رؤسای این سازمان برای دو دوره در آنجا بماند و صندلی ریاست را به پیمان جلیلی از نزدیکان جبهه پایداری واگذار کرد. از نام صادق قطب‌زاده به عنوان اولین رئیس این سازمان و اولین ناکام آن که بگذریم، علی لاریجانی هم سرنوشتی همچون سایرین داشت. او که روزگاری با ساخت «کنفرانس برلین» رئیس «ستاد ضد اصلاحات» به شمار می‌آمد، ۱۲ سال بعد در بهمن سال ۹۱ با سنگ و مهر و لنگه کفش در مسجد اعظم قم استقبال شد.

البته روند رو به افول علی لاریجانی برای اصولگرایان از سال ۸۸ آغاز شد. از انتخابات آن سال و تقابل احمدی‌نژاد و لاریجانی. تقابل آنها در جلسه استیضاح شیخ‌الاسلامی وزیر کار احمدی‌نژاد به اوج خود رسید. احمدی‌نژاد با انتشار فیلمی که مخفیانه از فاضل لاریجانی در دفتر سعید مرتضوی گرفته شده بود، «یکشنبه سیاه» را در پارلمان رقم زد. صبح همان روز علی لاریجانی تهدید شده بود در صورتی که استیضاح را لغو نکند، فیلم بردارش منتشر خواهد شد. نتیجه کار برای لاریجانی بسیار تلخ بود. او که برای مراسم ۲۲ بهمن سال ۹۱ به قم

داوود حشمتی: ساعت چهار بعدازظهر دوشنبه میدان آستانه قم شاهد برگزاری یک تجمع علیه یکی از وزرای کابینه ابراهیم رئیسی بود. کسی که سال‌ها سابقه حضور در سطح اول اجرائی جریان اصولگرایی و انقلابی را دارد. کسی که مدیریتش در سال ۸۸ در صداوسیما اعتراضات گسترده‌ای را از سوی مردم برانگیخت، اما جریان خاص او را ستایش می‌کردند. عزت‌الله ضرغامی حالا در همان جایگاهی نشسته است که سلف او علی لاریجانی و دیگران نشسته بودند. کسی که روزگاری با جنجال «کنفرانس برلین» محبوب‌القلوب جریان‌های سوسیپرانقلابی بود، بعدها همان‌ها در حسینیه اعظم قم با لنگه کفش و مهر از او پذیرایی کردند. داستان ضرغامی و لاریجانی اما داستانی تکراری است. اصولگرایان و سوسیپرانقلابی‌ها با همه یاران خود همین کار را کردند. از احمدی‌نژاد تا اکبر هاشمی‌رفسنجانی. از لاریجانی تا سرفراز و ضرغامی. ستاره بخت و اقبال این افراد تا زمانی خاص برای بدنه سوسیپرانقلابی درخشش دارد. بعد از مدتی آنها به تیر غیبی گرفتار می‌شوند که همه آنها را شامل می‌شود. تیر غیبی با عنوان «نداشتن عقد اخوت».

لیبرال‌شدن ضرغامی

اکثر کسانی که از نزدیک او را دیده‌اند تأیید می‌کنند که ضرغامی رفتارهای خاصی دارد. نوعی خودمانی و ساده‌بودن در برخوردهایی که بعضا از محمود احمدی‌نژاد دیده بودیم. در عزت‌الله ضرغامی هم دیده می‌شود. نه فقط امروز، بلکه همان زمان که خیابان‌گردی می‌کرد یا در مصاحبه‌ای خاطرات خریدن لباس زیرش را تعریف می‌کرد نشان می‌داد نوع دیگری است. بسیار خودمانی و البته از زمانی که از قدرت کنار رفته بود در مسائل فرهنگی به شدت بازتر می‌اندیشید. اخیرا بارها به بهانه‌های مختلف کتایه‌هایی به محدودبودن فضای فرهنگی زده است و دست آخر انتشار کلیپ «جولیا پطرس» خواننده لبنانی که آواز «حق سلاح من است» را در دفاع از فلسطین و لبنان و محور مقاومت خوانده بود. برایش جنجال تازه‌ای ساخته است. جریان انقلابی او را «لیبرال دولت» می‌خوانند و ابراهیم رئیسی را به خاطر حذف‌نکردن او سرزنش می‌کنند. در نهایت نیز برای تحت فشار قراردادن رئیس‌جمهور دست به تجمعی در قم زدند.

دوران ریاست «حاج عزت» بر سازمان صداوسیما مصادف بود با ریاست محمود احمدی‌نژاد در ریاست‌جمهوری و روابط بسیار نزدیک آن دو. از همین جهت هم «حاج عزت» محبوب دل اصولگرایان هم بود. خصوصا با عملکردش در انتخابات سال ۸۸ و اعتراضات پس از انتخابات توجهات زیادی را از بدنه تسدروی اصولگرایی به خود جذب کرد. پخش اعترافات تلویزیونی و دادگاه‌های اعتراضات ۸۸ اقداماتی بود که از او چهره‌ای انقلابی ساخته بود. تا آنجا که تصمیم به شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری گرفت.

فراخوان تجمع

لیبرال‌خواندن ضرغامی تنها یک بخش از ماجراست. بخشی از جریان انقلابی حوزه و فعالان مجازی سوسیپرانقلابی با انتشار متن‌هایی تحریک برای برگزاری یک تجمع در قم را پایه‌ریزی کردند. در این متن‌ها خواننده لبنانی که ضرغامی کلیپ آن را منتشر کرده بود، «هرزه» خوانده شده و رفتار ضرغامی در راستای اهداف سند ۲۰۳۰ ارزیابی می‌شود: «به بهانه دفاع از فلسطین، تک‌خوانی حرام یک خواننده هرز که مثلا از فلسطین می‌خواند را در صفحه خود انتشار داده است! پیامدهای این کار عبارت‌اند از: ۱- قیح‌زدایی از گناه ۲ - اجرایی‌شدن بندهایی تا سند ۲۰۳۰ و سوم «تحریف حقیقت و ماهیت فرهنگ مقاومت».

برگزارکنندگان تجمع اعتراضی خواهان آن هستند که «دولت دست از انفعال برداشته» و این عنصر لیبرال را اخراج کند.

حالا ضرغامی در کنار پنجره قطاری نشسته است که پیش از او دیگران هم از آن پنجره به بیرون هدایت شده بودند. نام‌های بزرگی چون اکبر هاشمی‌رفسنجانی، علی لاریجانی، صادق آملی‌لاریجانی و حتی محمود احمدی‌نژاد.

یتیمان اکبر

«ظهر آقایان واعظ طبسی و درینجفا آبادی و احمد جنتی میهمانم بودند.



نیست‌اند، به راحتی از افراد چرخش و آنها را از پنجره قطار به بیرون هدایت می‌کردند. سرنوشت آملی‌لاریجانی نیز بعد از چند نامه تند و تیز با آیت‌الله یزدی به قهر و استعفا از شورای نگهبان کشیده شد.

از خادم‌ملت تا خاطر بزرگ

فهرست کسانی که جریان راست و انقلابی‌ها بعد از یک دوره حمایت سفت و سست از آنها با دستان خودشان حذفشان کردند. بسیار بلندبالاست. اما در میان آنها نمی‌توان از نام محمود احمدی‌نژاد به راحتی عبور کرد. «خادم ملت»، «زدگیر ۸۸»، «دلاور هسته‌ای» از جمله القابی بود که با آن احمدی‌نژاد را ستایش می‌کردند. روزگاری وقتی از اولین سخنرانی در سازمان ملل بازمی‌گشت، مسئولان بلندپایه زیادی شبانه برای استقبال به پای هواپیمای او رفتند تا قهرمانی را که در دانشگاه کلمبیا و سازمان ملل بر دهان استیکار مشت محکمی کوبیده، بغل کنند. همان‌ها کمتر از هشت سال بعد به تندترین القاب خطابش کردند. آن کسی که در سال ۸۴ خواب دیده بود که «احمدی‌نژاد تأیید امام زمان» است و باید به او رأی داد، بعدها او با عنوان «بزرگ‌ترین خطر از صدر اسلام تاکنون» یاد کرد. روایت احمدی‌نژاد و اصولگرایان روایتی است درس‌آموز. همان‌ها که روزگاری گرد او جمع شدند تا از پیروزی‌اش در انتخابات ۸۴ فرضی برای احیای خود در سیاست پیدا کنند، بعدها دو نفر از نزدیکانش را با وضعی اسفاب‌بر به دادگاه برند. از قربایی که در زندان دست به اعتصاب غذا زد و اسفندیار رحیم‌مشایی که در دادگاه به نشانه اعتراض لباس از تنش کند و به هو پرتاب کرد.

احمدی‌نژادی که روزگاری اصولگرایان برای حضورش گوسفند قربانی می‌کردند، به همان نقطه‌ای رسید که دیگرانی چون اکبر هاشمی‌رفسنجانی و علی لاریجانی رسیدند. رد صلاحیت در انتخابات‌های ۹۶ و ۱۴۰۰ سرنوشت و میانه او را با انقلابیون رقم زد.

این‌طور که پیداست در این ایستگاه قرار است عزت‌الله ضرغامی از قطار «ناب‌گرایان» و «یکدست‌سازان» پیاده شود و با پیاده‌شدن او نوبت به نفرات بعدی خواهد رسید. یکدست‌سازی‌که روزگاری برای افراد سر و دست می‌شکنند، بعد از یک دهه خودشان با دستان خودشان این افراد را نابود می‌کنند و این نابودی را با تیر «نداشتن عقد اخوت» توجیه می‌کنند. آنها به راستی نشان دادند به هیچ‌کس «وفادار» نیستند و به راحتی افرادی را از جایگاه رفیع و عزتمندش به زیر می‌کشند. چرایی آن نیز بحث دیگری است که البته در این مقال نمی‌گنجد.

خبر برگزیده

دستور رئیس قوه قضائیه در پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش

رسیدگی سریع و دقیق برای احساس امنیت در جامعه

رئیس قوه قضائیه به قتل داریوش مهرجویی، کارگردان سینما و همسرش واکنش نشان داد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محسنی‌اژه‌ای دیروز در سخنانی در نشست شورای‌عالی قوه قضائیه، به موضوع قتل یک کارگردان سینما و همسرش نیز اشاره کرد و اظهار کرد: از همان ابتدای امر، مسئولان قضائی مربوطه به موضوع ورود کرده و من نیز شخصا پیگیری و تاکید کردم که با بهره‌گیری از همه امکانات، هرچه سریع‌تر قاتل یا قاتلان شناسایی شوند و پرونده آنها با سرعت و دقت رسیدگی و منتهی به صدور حکم شود تا خدای‌ناکرده امنیت روانی مردم مورد خدشه قرار نگیرد. این قبیل موضوعات چنانچه با سرعت و دقت در رسیدگی همراه باشد، موجب تزریق احساس امنیت هرچه بیشتر به مردم و شهروندان می‌شود و در نقطه مقابل چنانچه در بررسی‌ها و رسیدگی‌ها به این مقولات و موضوعات متناظر، تعلل صورت گیرد، افراد منافق و سودجو شروع به تحریک و انتشار مطالب کذب و القای ترس و ناامنی می‌کنند. رئیس قوه قضائیه در ادامه نشست دیروز از دادستانی کل و دادستان‌های سراسر کشور و همچنین سازمان بازرسی به سبب بازبدها و سرکشی‌های میدانی و انجام اقدامات پیشگیرانه از وقوع فساد، تقدیر به عمل آورد و بر ضرورت استمرار و تقویت این رویکرد تاکید کرد. محسنی‌اژه‌ای در همین راستا گفت: امروز عزم هر سه قوه برای جلوگیری از وقوع فساد جزم است، در دستگاه قضائی نیز تمرکز اصلی بر جلوگیری از وقوع فساد و انسداد زمینه‌های فسادزا معطوف است؛ همچنین اقدامات سומدمنی نیز در راستای حمایت از تولید و جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی انجام گرفته است؛ این اقدامات و دستاوردها که اغلب مانع بروز خسارات شده است، ثمره و نتیجه عمل به‌موقع است. همه امور باید در وقت خود انجام گیرند؛ این نکته‌ای است که ما مسئولان همواره باید مطمحنظر قرار دهیم. رئیس قوه قضائیه گفت: همچنین در همین راستا باید این نکته را نیز مورد تاکید قرار دهم که با ورود به‌موقع سازمان بازرسی در بسیاری موارد از وقوع فساد جلوگیری به عمل آمده است و در این راستا مقامات دولتی نیز اهتمام مطلوبی داشتند و با دستوروات و مرقوم‌های خود، از تحمیل خسارات بیشتر جلوگیری به عمل آوردند که مصادیق این امر در قضایایی نظیر پرونده جهاد کشاورزی و پرونده خودرو و… مشهود و ملموس است. رئیس قوه قضائیه تاکید کرد: در امر پیشگیری از وقوع جرم و دیگر امور که به نحوی از انحا همکاری و هماهنگی هر سه قوه را می‌طلبد، باید انرژی و امکانات را هم‌افزا کنیم و از انجام کارهای موازی بهره‌ریم تا خدای‌ناکرده شاهد خنثی‌شدن کارهای یکدیگر نباشیم. محسنی‌اژه‌ای در ادامه نشست دیروز به مسئولان قضائی در دادگستری‌ها دستور داد تا در قبال همه پرونده‌ها به‌ویژه پرونده‌های مهم، در کنار دقت و لحاظ موازین قانونی، سرعت را هم در دستور کار قرار دهند؛ چراکه طولانی‌شدن رسیدگی‌ها در برخی از پرونده‌ها گاهی خود سبب وقوع فساد و ظلم به مردم یا ضربه به اقتصاد کشور و ایجاد هزینه می‌شود.رئیس قوه قضائیه به دادرسای انتظامی قضات نیز دستور داد تا در بازرسی‌های خود از مراجع قضائی مواردی نظیر «سیدگی‌های دقیق و سریع به پرونده‌ها» و «اجرای به‌موقع احکام قطعی» را مورد اهتمام قرار دهند.

محسنی‌اژه‌ای در همین راستا گفت: اگرچه به تطابق نداشتن حجم کار و نیروی انسانی در مراجع قضائی واقف هستیم؛ اما دادرسای انتظامی قضات موارد ناظر بر طولانی‌شدن رسیدگی‌ها و معوق‌ماندن برخی پرونده‌ها را با جدیت پیگیری کند و اقدامات مقتضی را در قبال این موضوع ترتیب دهد تا پرونده‌هایی که امکان رفع مشکل برای تسریع در رسیدگی را دارند؛ هرچه زودتر تعیین تکلیف شوند.

رئیس قوه قضائیه بیان کرد: اگرچه من شخصا برخی پرونده‌ها در موضوعات امنیتی و اقتصادی و… را به صورت موردی پیگیری و بررسی می‌کنم؛ اما باید توجه داشت که تعداد و حجم این پرونده‌ها با توجه به وقت و اشتغالات دیگری که رئیس قوه قضائیه دارد، چندان بالا نیست؛ بنابراین باید بخش‌های ذی‌صلاح در دستکته قضائی ازجمله دادرسای انتظامی قضات، به موضوع رسیدگی‌های دقیق و سریع در مراجع قضائی عنایت داشته باشند و پیگیری این موضوع را به صورت سازمان‌یافته همواره در دستور کار قرار دهند.



۱۲۰تائیه‌ای او خاموش شد.

بستن میکروفون یا ممنوع‌الخطبی نمایندگان مجلس رفتاری قانونی در بهارستان نیست. برابر قانون اساسی و ماده ۷۳ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، اظهارنظر نمایندگان معاف از مجازات‌های ماده ۶ است. مطابق این تبصره: «کلیه امور مربوط به حقوق نمایندگی ملت که در قانون اساسی به آن تصریح شده است، اعم از اظهارنظر و اعلام مواضع در مسائل داخلی و خارجی کشور و آزادی در انجام وظایف قانونی و اعمال رای خود و کسب اخبار و اطلاعات مورد نیاز وظایف نمایندگی و قانون‌گذاری و تحقیق و تفحص در تمام امور کشور و سؤال و استیضاح وزرا و رئیس‌جمهور و رای اعتماد و رای عدم اعتماد و مأموریت‌های محوله که همه آنها در راستای ایفای وظایف نمایندگی به عمل می‌آید از شمول مجازات‌های موضوع این ماده مستثناست.» از این‌رو به خوبی قابل مشاهده است که هیچ‌یک از قوانین در مقام تحدید آزادی بیان نمایندگان نبوده‌اند و حتی چنین مجازاتی را برای ایشان در نظر نگرفته‌اند؛ چراکه تحدید آزادی بیان نماینده در حقیقت محدودکردن صدای مردم به حساب می‌آید. بنابراین محروم‌کردن از حق نطق برای مدتی کوتاه یا حتی محدودکردن به زمانی کمتر از آنچه در قانون پیش‌بینی شده، تضییع حق نمایندگی است. چه نطق خوشایند هیئت‌رئیسه نباشد، چه نقد به مسئله‌ای خاص و حاکمیتی باشد، در نهایت در زمان مقرر نماینده باید سخنان خود را آزادانه بیان کند تا جان مطلب ادا شود.



در این لحظه میکروفون مقابل صباغیان خاموش شد که این موضوع با واکنش اعتراضی شدید او مواجه شد. صباغیان در واکنش به این اتفاق، با سردار فراهی‌ای خطاب به قالیباف گفت: «آقای قالیباف حق ندارید [میکروفون] را ببندید؛ دیکتاتوری راه انداخته‌اید».

قالیباف در پاسخ به فریادهای صباغیان خطاب به او گفت: آقای صباغیان شما خودت داری خلاف قانون عمل می‌کنی؛ الان به عنوان مخالف باید صحبت کنید، [اما] دارید درباره موضوع دیگری صحبت می‌کنید. دیروز ۱۰ بار صحبت کردید و همیشه خلاف آیین‌نامه به عنوان مخالف ثبت‌نام می‌کنید، اما تذکر می‌دهید. شما مخالف هستید و بفرمایید به عنوان مخالف صحبت کنید و غیر از مخالف نمی‌توانید صحبت کنید.

رئیس مجلس سپس از جمند رشیدی، عضو هیئت‌رئیس مجلس، خواست تا نام دیگر نماینده‌ای را که به عنوان مخالف بند مورد بررسی ثبت‌نام کرده بود، قرائت کند. فریادهای اعتراضی نماینده باقی نیز با وساطت و حضور برخی از نمایندگان مقابل صندلی او در صحن مجلس و دلجویی از او پایان یافت. طی توافق نمایندگان مجلس، در جریان بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران در صحن مجلس هرکدام از نمایندگانی که به عنوان موافق یا مخالف اظهارنظر می‌کنند، دو دقیقه فرصت بیان نظرات خود را دارند. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، میکروفون مقابل نماینده باقی حدود ۴۸ ثانیه زودتر از پایان فرصت

بار دیگر میکروفون یک نماینده مجلس حین انتقاد از قالیباف بسته شد

سندروم قطع میکروفون در بهارستان

صباغیان: آقای قالیباف شما دیکتاتوری به راه انداخته‌اید!

وحیده کریمی: در فیلمی که در جریان بررسی

لایحه برنامه هفتم منتشر شده است، محمدرضا صباغیان، نماینده بافق، خطاب به رئیس مجلس در تذکری به ماده ۱۸۰ با انتقاد از قالیباف در بستن میکروفونش می‌گوید: «شما اجازه ندارید صدای من را ببندید! آقای قالیباف شما دیکتاتوری به راه انداختید».

این اولین بار نیست که نماینده‌ای در مجلس از بسته‌شدن میکروفون و ممنوع‌الخطبی خود گلایه دارد. در مجلس اصولگرایان بارها هیئت‌رئیس‌ه مجلس دستور قطع میکروفون نمایندگان منتقد را داده است. چندی پیش فیلمی در شبکه‌های

اجتماعی از قطع میکروفون سخنان نماینده خرم‌آباد هنگام انتقاد از بیانیه ۲۲۷ نماینده برای درخواست اعدام معترضان، بنا بازید حداکثتری افکار عمومی مواجه شد. پیش از آن نیز صدای معین‌الدین سعیدی، نماینده چابهار، در حین سخنرانی اعتراضی در مجلس قطع شده بود.

معین‌الدین سعیدی، نماینده چابهار، در حال تذکر به دلیل حوادث زاهدان و خاش بود که میکروفون او را قطع کردند.

همچنین در بحبوحه افشاگری احمد علیرضاییگی از ماجرای شاسی‌بلندا، یکباره بستن میکروفون این نماینده خبرساز شد. نماینده افشارک از سوی هیئت نظارت بر رفتار نمایندگان، ممنوع‌النطق شده بود و از حق اظهارنظر در صحن علنی محروم شد؛ موضوعی که حداقل با حکمرانی نوین وعده داده‌شده از سوی

قالیباف در تقابل بود و نمی‌تواند با ذات مسئولیت

نمایندگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در توافق باشد.

بعد از چند روز حاشیه در مجلس و انتقاد

برخی نمایندگان ازجمله محمدرضا صباغیان و غلامرضا نوری‌قرنجه به ممنوع‌کردن نطق احمد